

سیر تحول ویژگی‌های نقوش ظروف سفالین تمدن حصار*

پریسارضایی^{۱*}، سیدابوتراب احمدپناه^۲

^۱ کارشناس ارشد پژوهش هنر، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.

^۲ استادیار دانشکده هنر و معماری، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.

(تاریخ دریافت مقاله: ۹۰/۱۱/۲۶، تاریخ پذیرش نهایی: ۹۱/۳/۷)

چکیده

هنر ایران در سیر تاریخی خود از ویژگی‌های بی‌شماری برخوردار بوده است. حال در این پژوهش سعی شده با استناد به نقوش ظروف سفالین تمدن حصار به بررسی ویژگی‌های بصری نقوش به لحاظ ترکیب‌بندی در هنر سفال پیش از تاریخ ایران، پرداخته شود. دلیل انتخاب تمدن حصار، اهمیت سفال آن در بررسی روند عمومی سفال پیش از تاریخ ایران و همچنین در دسترس بودن گزارش حفاری و طبقه‌بندی منظم دوره‌های تمدنی آن است. لذا برای دستیابی به سیر تحول ویژگی‌های نقوش از تحلیل بصری استفاده می‌شود و نقوش ظروف به واسطه شماری از ویژگی‌های بصری، مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. پس از طی فرایند تحلیل و جمع‌بندی، نتایج حاصله نشان داد که در طی سه دوره تمدنی حصار، بعضی ویژگی‌های بصری ظروف نظیر پیوستگی نقوش، فضای پر و خالی، کادر و ترکیب‌بندی، یکسان بوده و تغییر نکرده، و ویژگی‌های دیگر نظیر نقش یکتا یا تکراری، ریتم و کیفیت خطوط، تغییر یافته‌اند. بنابراین سیر تحول ویژگی‌های نقوش در طول حدود ۲۵۰۰ سال، در چهار مورد ثابت و در سه مورد متغیر است؛ که این خود متضمن روند کند تحول ویژگی‌های بصری سفالینه‌های منقوش است و همچنین گویای صفت پایداری در هنر نقاشی روی سفال پیش از تاریخ در منطقه حصار می‌باشد.

واژه‌های کلیدی

ظروف سفالین، تمدن حصار، نقوش، ویژگی‌های بصری.

* این مقاله برگرفته از پایان نامه کارشناسی ارشد نگارنده اول تحت عنوان: بررسی سیر تکامل تزیینات ظروف از هزاره پنجم تا دوم پ.م (موارد بررسی: تپه سیلک و تپه حصار) است.

** نویسنده مسئول: تلفن: ۰۲۱-۶۶۴۲۲۳۰۴، نمابر: ۰۲۲۱-۳۳۴۰۰۶۲، E-mail: parisa.rezaei@gmail.com

مقدمه

تمدن سنتی هنر امری ذوقی نیست، بلکه بازتاب اندیشه انسان پیرامون جهان خود و تجلی باورها و عقاید وی محسوب می‌شود» (Serkina, 1999, 1). پیدایش و رواج نقوش مختلف هندسی، نمادین، حیوانی، گیاهی، و انسانی بر آثار سفالین حصار علاوه بر معنا و مفاهیم مورد نظر، حامل ارزش‌های زیبایی شناسانه می‌باشند که با تغییر زمان، تحول و دگرگونی یافته‌اند از همین رو با بررسی ظروف منقوش این تمدن، تغییرات پدید آمده در ویژگی‌های بصری نقوش به لحاظ ترکیب‌بندی مورد مذاقه قرار می‌گیرد تا به سوال این پژوهش مبنی بر چگونگی روند تغییر ویژگی‌های نقوش پاسخ داده شود و به اثبات یا ابطال فرضیه‌ای دال بر وجود نوعی تغییر و تحول در ویژگی‌های نقوش سفالینه‌های حصار در طول سه دوره تمدنی، پرداخته شود. از این رو در پژوهش حاضر به بررسی ۱۱۴ نمونه ظروف منقوش از سه دوره تمدنی پیش‌آریایی، پرداخته شده؛ از این تعداد هفتاد نمونه مربوط به دوره اول؛ سی و چهار نمونه مربوط به دوره دوم و ده نمونه مربوط به دوره سوم می‌باشد. از نمونه‌های یاد شده، تعداد کمتری در اینجا ارائه می‌شود ولی در بررسی تمام نمونه‌ها لحاظ می‌شود.

منطقه حصار در دوره پیش از تاریخ، در دو عصر فرهنگی مس‌سنگی^۱ (حدود ۴۵۰۰-۳۰۰۰ پ.م) و مفرغ^۲ (۳۰۰۰ تا ۱۵۰۰ پ.م) به صورت متوالی مسکونی بوده است. این دو عصر از دوره‌های با اهمیت پیش از تاریخ ایران به شمار می‌آیند. در عصر مس سنگی پیشرفت‌های مهم اجتماعی، فرهنگی و فناوری از جمله اختراع چرخ سفالگری، استفاده از کوره‌های پیشرفته در پخت سفال و همچنین سنت نقاشی روی ظروف سفالین رخ داده است. دوره اول و بخشی از دوره دوم حصار در این عصر واقع شده است. حال عصر مفرغ نیز که بخش دیگر دوره دوم و دوره سوم در آن قرار گرفته با نوع دیگری از پیشرفت‌ها از جمله ظهور و رواج سفال خاکستری همراه است. بی‌تردید سفال‌های منقوش و خاکستری روند تحول سفالگری پیش از تاریخ ایران را آشکار می‌سازند.

موضوع تحقیق پیش‌رو، بررسی سیر تحول ویژگی‌های نقوش ظروف سفالین این تمدن است. این سفالینه‌های زیبا صرفاً جنبه هنری به معنای امروز را نداشته بلکه دربردارنده مفاهیم، باورها، اعتقادات و خیلی چیزهای دیگر هم بوده است؛ زیرا «در یک

روش تحقیق

”عصر مفرغ ایران“، و ”هشت هزار سال سفال ایران“ تالیف دکتر حسن طلائی.

هدف نهایی از این پژوهش، دستیابی به تغییرات پدید آمده در ویژگی‌های بصری نقوش به لحاظ ترکیب‌بندی، در ظروف سفالین تمدن حصار می‌باشد. از این رو برای آگاهی از این تغییرات، نقوش سفالینه‌های هر سه دوره تمدنی مورد بررسی قرار گرفته و در قالب جدول‌های ۲ تا ۴ به وسیله شماری از ویژگی‌های بصری سنجیده می‌شود. این ویژگی‌ها شامل: نقش یکتا یا تکراری، پیوستگی نقوش، ریتم، فضای پر و خالی، کادر، ترکیب‌بندی و کیفیت خطوط می‌باشد. که در ذیل به توضیح و تبیین آنها پرداخته می‌شود.

ویژگی نقش یکتا یا تکراری به این شکل لحاظ خواهد شد: اگر نقوش و نحوه چینش آنها بر روی ظروف برای اولین بار در یک دوره دیده شود، گزینه یکتا و در غیر این صورت گزینه تکراری انتخاب می‌شود.

ویژگی پیوستگی نقوش نیز به سه شکل ارزیابی می‌شود: منفصل، متصل، منفصل و متصل؛ شکل متصل به این صورت است که نقوش در ارتباط و اتصال با یکدیگر هستند و حالت منفصل یعنی نقوش به هم پیوسته نیستند و حالت منفصل و متصل به معنی وجود هر دو حالت در نقوش روی یک ظرف است.

ویژگی ریتم (جدول ۱) نیز به چند حالت ساده، ساده مارپیچی، دوگانه، ساده و دوگانه، سه‌گانه، چهارگانه، سه‌گانه و دوگانه، دوگانه و ساده، ساده و سه‌گانه، سنجیده می‌شود؛ ریتم ساده به معنی تکرار

این تحقیق مبتنی بر شیوه توصیفی می‌باشد که با استفاده از اسناد و منابع کتابخانه‌ای و مطالعه تصویری ظروف سفالین منقوش تمدن حصار صورت پذیرفته است. محور اصلی این پژوهش، ویژگی‌های بصری نقوش شکل گرفته بر سفالینه‌هاست که در روند سازمان دادن یا نظم بخشیدن به عناصر بصری (نقوش) مطرح می‌شوند نظیر ریتم، کادر، ترکیب‌بندی، فضای پر و خالی. برای گردآوری نمونه‌های پژوهش از کتاب "Excavations at Tepe Hissar Damghan" اثر Eshmidt" استفاده شده است.

چارچوب نظری

در خصوص مطالعات قبلی در این زمینه باید ذکر کرد، تحقیق‌های بی‌شماری بر روی دسته بندی نقوش مورد استفاده در ظروف سفالین پیش از تاریخ و مفاهیم آنها صورت گرفته، اما منحصراً در ارتباط با ویژگی‌های نقوش ظروف سفالین حصار پژوهشی انجام نیافته است. پژوهش‌های بسیاری در مورد سفال‌های مناطق مختلف ایران در حیطه مسایل باستان‌شناسی و نه هنرهای تجسمی صورت گرفته که به عنوان پیشینه تحقیق در این مقاله مورد توجه قرار گرفته‌اند. از جمله کتاب Excavations Hissar Damghan "at Tepe" تالیف "Eshmidt"؛ "سفال دوره نوسنگی در فلات مرکزی ایران" تالیف دکتر صادق ملک شه‌میرزادی و کتاب‌های "ایران پیش از تاریخ: عصر مس سنگی"،

جدول ۱- ویژگی ریتیم و انواع آن.

ساده	دو گانه	ساده و دو گانه	سه گانه	چهار گانه
▶▶▶▶	▶▶ □□ ▶▶ □□	■ ■ ■ ■ ■ ■ ■ ■ ▶▶ ○○ ▶▶	■○▶ ■○▶ ■○▶	□●○■□●○■

اطلاعات از این دوره، در پهنه سفال منقوش به دست آمده» (روستایی، ۱۳۸۵، ۱۵) است. قدیمی‌ترین سفال‌های این دوره با دست ساخته شده، و سفال دو لایه دیگر با استفاده از چرخ به وجود آمده‌اند. نقش‌مایه‌های به کار رفته در تزئین این ظروف به صورت هندسی، حیوانی، گیاهی و انسانی می‌باشند و رنگ آنها «خاکستری تیره، یا قهوه‌ای تیره است که روی زمینه قهوه‌ای مایل به قرمز و قهوه‌ای روشن یا خاکستری روشن قرار داده شده» (واندنبگر، ۱۳۴۵، ۱۲) است. این نقش‌ها گاهی در هر دو طرف ظرف، گاهی فقط در سمت بیرونی آن نقش بسته‌اند.

دوره دوم حصار «از حدود ۳۶۰۰ تا ۲۴۰۰ پ.م.» (روستایی، ۱۳۸۵، ۱۵) ادامه داشته و بقایای آن «بیشتر در بخش‌های پهنه سفال منقوش، تپه جنوبی، و تپه سرخ آشکار شد» (همان، ۱۸). در این دوره دو نوع سفال منقوش و خاکستری به دست آمد. سفال منقوش با نقوش هندسی و حیوانی آراسته گردیده؛ البته «نقوش جانوران بی‌نهایت ساده شده و نقش پرند نیز کاملاً از بین رفته است» (پوپ، ۱۳۸۷، ۱۸۶). در حالی که سفال‌های خاکستری فاقد نقاشی هستند و گاهی با «نقش داغدار»^۳ تزئین شده‌اند.

دوران سوم حصار که با از بین رفتن سنت سفال منقوش و رواج سفال خاکستری شناخته شده، بین «سال‌های ۲۴۰۰ تا ۱۶۰۰ پ.م.» (روستایی، ۱۳۸۵، ۱۵) واقع گردیده و بقایای استقرار آن که «بیشتر در بخش‌های مرتفع محوطه یافت شده» (همان، ۲۱) در سه لایه به دست آمده‌اند. سفال‌های این دوره «ادامه همان سفال‌های خاکستری رنگ دوره دوم است» (ملک‌شهمیرزادی و دیگران، ۱۳۶۸، ۹۷) و فقط تعداد اندکی سفالینه منقوش بازمانده از دوره‌های قبل به دست آمده؛ این سفالینه‌ها دارای همان سنت طراحی پیشین به صورت بسیار ساده است.

روند تحول نقش‌مایه‌های ظروف سفالین حصار

سفالینه‌های به دست آمده از تمدن حصار در شمار عالی‌ترین دست ساخته‌های ساکنین اولیه فلات ایران هستند. نقش آفرینان این سفالینه‌ها، نقوش حساب شده‌ای را که گاه به واقعیت نزدیک و گاه از آن دور می‌باشند، بر روی ظروف خود رسم کرده‌اند که معرف رشد تفکر و نوع نگاه آنهاست. از این‌رو در یک روند تدریجی، نقوش سفالینه‌ها در هر لایه و دوره معرفی می‌شود.

در دوره اول حصار، مراحل از پیشرفت، در نقش روی ظروف مشاهده می‌شود. در لایه الف این دوره برای تزئین سطح ظروف از نقوش هندسی که شامل خطوط مستقیم، مورب یا موج می‌باشد

منظم یک نقش در یک جهت و با یک فاصله یکسان از هم است، ریتیم دو گانه به معنی وجود دو ضرب آهنگ متفاوت در تکرار نقش‌ها است، ریتیم ساده و دو گانه، سه گانه و دو گانه، ساده و سه گانه یعنی وجود هر دو ریتیم بر روی یک ظرف، ریتیم سه گانه و چهار گانه هم به معنای وجود سه و چهار ضرب آهنگ متفاوت در تکرار نقش‌ها است. ویژگی فضای پر و خالی به این معنی که فضای پر، فضایی است که با نقش پوشیده شده و فضای خالی در واقع فضای عاری از نقش است، به چند حالت ذیل در ترکیب‌بندی مورد استفاده قرار گرفته است: فضای پر در بالای ظرف و فضای خالی در لبه و پایین آن، فضای پر در اطراف ظرف و فضای خالی در وسط آن، تمام سطح ظرف با نقش پر شده و فضای خالی ندارد، فضای پر در بالای ظرف و فضای خالی در پایین آن، هر دو فضای پر و خالی در کنار هم، فضای پر در میانه ظرف و فضای خالی بالا و پایین آن، تقریباً تمام سطح ظرف با نقش پر شده و فضای خالی یک باند ضخیم است، فضای پر نیمی از ظرف و فضای خالی نیمه دیگر آن را پوشیده است. ویژگی کادر که به معنای محدوده‌ای برای جا دادن نقوش است، به حالت‌های مختلفی نظیر یک، دو، سه، چهار، و پنج کادر مورد استفاده قرار گرفته است.

ویژگی دیگر نوع ترکیب‌بندی است که به هفت صورت ذیل مورد استفاده قرار گرفته است: عمودی، افقی، متقاطع، اریب، دایره، متمرکز و حلزونی. ویژگی کیفیت خطوط به سه شکل صاف، منحنی، صاف و منحنی در طراحی نقوش مورد ارزیابی قرار می‌گیرد.

تمدن و هنر حصار

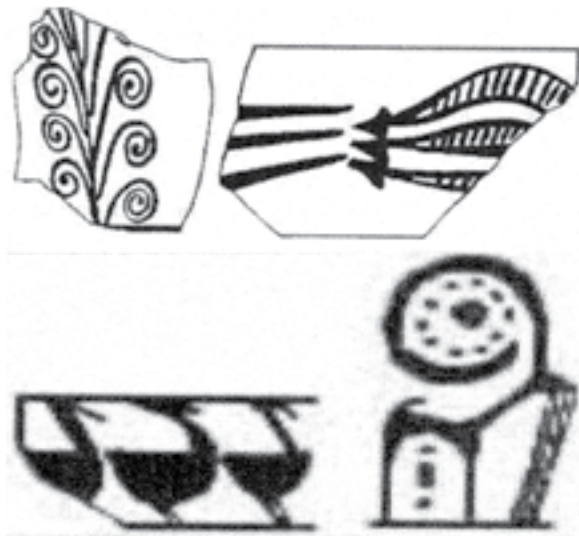
تمدن حصار یکی از کهن‌ترین تمدن‌های ایرانی می‌باشد که در یک کیلومتری جنوب شرق شهر دامغان، در نزدیکی روستاهای فیروزآباد و حیدرآباد، واقع شده است؛ بخش‌های مختلف این محوطه شامل «پهنه شمالی، تپه اصلی، پهنه سفال منقوش، تپه سرخ، تپه گنج، تپه جنوبی، تپه دوقلو و کاخ ساسانی» (Roustaei, 2004, 224) می‌باشد.

محوطه حصار دارای سه دوره فرهنگی اصلی می‌باشد که هر کدام از آنها به دوره‌های کوتاه‌تری (لایه) که زیر مجموعه دوره استقرار بلند مدت می‌باشند، تقسیم شده است و مطالعه روی سفالینه‌های منقوش این سه دوره که با نقاشی بر آنها تصاویری خلق شده، صورت می‌پذیرد.

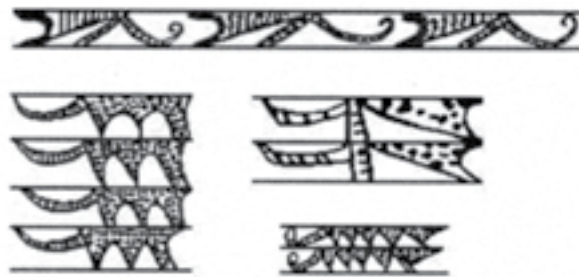
دوره اول که آغاز آن به هزاره پنجم پ.م باز می‌گردد، و پایان آن حوالی ۳۶۰۰ پ.م می‌باشد به سه لایه تقسیم شده است. «بیشترین

دست یافتند.

بدین ترتیب نقش و قرارگیری نقش روی ظروف شکل مشخص و معینی داشته که احتمالاً منبعث از نیازها، شرایط و نوع نگاه سازندگان آنها می‌باشد. لذا در ادامه چگونگی روند قرارگیری نقش بر ظروف از لحاظ بصری (یعنی آن هفت ویژگی ذکر شده) مورد مذاقه قرار می‌گیرد.



تصویر ۱- نقوش گیاهی، حیوانی در لایه ب دوره اول حصار. ماخذ: (واندنبرگ، ۱۳۴۵، ۱۲)



تصویر ۲- نقوش حیوانی لایه ج دوره اول حصار. ماخذ: (Shmidt, 1937, 111)



تصویر ۳- نقوش حیوانی لایه الف دوره دوم حصار. ماخذ: (Shmidt, 1937, 211)

بهره گرفته شده است. در لایه ب نقوش گیاهی، حیوانی و انسانی، بر نقوش هندسی تداوم یافته از لایه الف اضافه شده و با شیوه طبیعت‌گرا طراحی شده‌اند (تصویر ۱). در لایه ج نقوش هندسی همچنان کاربرد دارد؛ ولی نقوش گیاهان، پرندگان و انسان از بین رفته است.

در حیطه طراحی نقوش «نقاشی چهارپایان بیشتر تمایل به طبیعت‌گرایی را نشان می‌دهد تا رعایت اصول قراردادی، و این کار با غلو در جزئیات به ویژه در شاخ‌ها و حالت بدن بز کوهی نشان داده می‌شود که ناشی از تلاش هنرمندان برای واقعی جلوه دادن موضوع است» (پوپ، ۱۳۸۷، ۱۸۴). همچنین گونه پرنده را نمی‌توان تشخیص داد، ولی اشکال کاملاً مشخص‌اند. از این لایه، هنرمند اندک اندک ساده کردن طرح گربه سانان را مد نظر قرار داده و به آن پرداخته است (تصویر ۲).

«در نقوش تزیینی دوره دوم تغییرات عمده‌ای پدید آمده است. نقوش هندسی چه به صورت مستقل و چه به صورت تلفیق با نقوش جانوران همچنان باقی است، با این تفاوت که نقوش جانوران بی نهایت ساده شده است» (پوپ، ۱۳۸۷، ۱۸۶). در لایه الف این دوره، در شیوه طراحی، ساده کردن نقش تا حدی پیش می‌رود که طرح غیر قابل شناخت می‌شود (تصویر ۳). در لایه ب با کاهش بیشتر ظروف منقوش و عدم استفاده از نقوش حیوانی مواجه هستیم. ظروف این لایه با نقوش هندسی آراسته شده‌اند.

در دوره سوم حصار تعداد اندکی ظروف منقوش که مطابق فن سفال‌سازی دوره قبل ایجاد شده، بدست آمده است؛ این ظروف با خطوط ساده هندسی آراسته شده‌اند.





به نظر می‌رسد تغییر و تحول پدید آمده در نقوش دوره‌های سه‌گانه حصار، ناشی از تغییر پدید آمده در نوع زندگی و معیشت انسان آن دوره‌هاست. در دوره اول پس از پشت سر گذاشتن دوره نوسنگی و وارد شدن به عصر مس‌سنگی، انسان با فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی جدیدی آشنا شد از جمله اهلی کردن و بهره‌برداری چندگانه از برخی حیوانات؛ بدین ترتیب که از انرژی برخی از این حیوانات در امور کشاورزی، بهره گرفت و یا اینکه از محصولات این حیوانات در معیشت خود استفاده کرد. پس حیوانات و گیاهان برای او اهمیت پیدا کردند، در نتیجه روی دست ساخته‌هایش انعکاس یافتند. از طرفی با تسلط انسان بر حیوانات و غلبه بر محیط زندگی خود، ایجاد نقوش انسانی روی ظروف تبدیل به یک نقش ارزنده شد و در هنگام نقش‌اندازی بر سفالینه‌ها، نقاشی شد. بدین ترتیب بر نقوش ساده هندسی قبل، نقش حیوانات، گیاهان و انسان اضافه گردید. در دوره دوم این روند در لایه الف ادامه می‌یابد ولی در لایه ب تغییراتی پدید آمده که به نظر نگارنده مرتبط با پیدایش سفال خاکستری می‌باشد که محدودیت نقاشی بر سطح آن وجود دارد؛ اما در دوره سوم که شاهد از بین رفتن سنت نقاشی روی سفال مگر در موارد اندکی می‌باشیم، می‌توان گفت رواج سفال خاکستری عامل مهمی در کاهش ایجاد نقوش است، البته سفالگران به شیوه‌های جدیدی جهت تزیین ظروف سفالین نظیر نقش‌کننده، برجسته و داغدار،

بررسی نمونه‌ها

به منظور برآوردن اهداف مقاله، به بررسی جنبه‌های تزئین و زیبایی شناختی ظروف سفالین منقوش در جداول فراهم شده در ذیل، پرداخته می‌شود.





دوره اول

جدول ۲- ویژگی‌های نقوش ظروف دوره اول حصار.

				تصویر
بیرون: یکتا؛ درون: تکراری	یکتا	بیرون: یکتا؛ درون: تکراری	بیرون و درون: یکتا	نقش یکتا یا تکراری
بیرون و درون: منفصل	منفصل	بیرون: متصل؛ درون: منفصل	بیرون و درون: منفصل	پیوستگی نقوش
بیرون: دوگانه؛ درون: ساده	ساده	بیرون: ساده؛ درون: دوگانه	بیرون: ساده؛ درون: دوگانه	ریتم
بیرون: فضای پر در بالا و فضای خالی در پایین؛ درون: هر دو فضای پر و خالی در کنار هم	فضای پر تمام سطح ظرف؛ فضای خالی ندارد	بیرون: فضای پر در بالا و فضای خالی در پایین؛ درون: هر دو فضای پر و خالی در کنار هم	بیرون: فضای پر در بالا و فضای خالی در پایین؛ درون: هر دو فضای پر و خالی در کنار هم	فضای پر و خالی
۱	۱	۳	۱	کادر
بیرون: عمودی؛ درون: متمرکز	عمودی	بیرون: متقاطع؛ درون: متمرکز	بیرون: اریب؛ درون: متمرکز	ترکیب‌بندی
بیرون: صاف و منحنی؛ درون: منحنی	صاف	بیرون: صاف؛ درون: صاف و منحنی	بیرون: صاف؛ درون: صاف و منحنی	کیفیت خطوط

				تصویر
یکتا	یکتا	یکتا	یکتا	نقش یکتا یا تکراری
منفصل	منفصل	منفصل	منفصل و متصل	پیوستگی نقوش
دوگانه	ساده	دوگانه	ساده	ریتم
فضای پر در بالا و فضای خالی در پایین	فضای پر در بالا و فضای خالی در پایین	فضای پر در بالا و فضای خالی در پایین	فضای پر در بالا و فضای خالی در پایین	فضای پر و خالی
۱	۲	۱	۳	کادر
عمودی	افقی	عمودی	افقی	ترکیب‌بندی
صاف و منحنی	منحنی	صاف و منحنی	صاف و منحنی	کیفیت خطوط

دوره دوم
جدول ۳- ویژگی‌های نقوش ظروف دوره دوم حصار.

تصویر					
نقش یکتا یا تکراری	تکراری	یکتا	یکتا	یکتا	نقش یکتا یا تکراری
پیوستگی نقوش	منفصل	منفصل و متصل	منفصل	منفصل	پیوستگی نقوش
ریتم	دوگانه	دوگانه	دوگانه	ساده	ریتم
فضای پر و خالی	فضای پر در بالا و فضای خالی در پایین	فضای پر در بالا و فضای خالی در پایین	فضای پر در بالا و فضای خالی در پایین	فضای پر در بالا و فضای خالی در پایین	فضای پر و خالی
کادر	۱	۲	۱	۱	کادر
ترکیب‌بندی	عمودی	افقی	افقی	افقی	ترکیب‌بندی
کیفیت خطوط	صاف و منحنی	صاف و منحنی	صاف و منحنی	صاف	کیفیت خطوط

تصویر					
نقش یکتا یا تکراری	یکتا	یکتا	یکتا	تکراری	نقش یکتا یا تکراری
پیوستگی نقوش	متصل	متصل	متصل	منفصل	پیوستگی نقوش
ریتم	دوگانه	دوگانه	ساده	ساده	ریتم
فضای پر و خالی	فضای پر در بالا و فضای خالی در پایین	فضای پر در بالا و فضای خالی در پایین	فضای پر در بالا و فضای خالی در پایین	فضای پر در بالا و فضای خالی در پایین	فضای پر و خالی
کادر	۳	۱	۱	۱	کادر
ترکیب‌بندی	افقی	افقی	اریب	اریب	ترکیب‌بندی
کیفیت خطوط	صاف و منحنی	صاف	صاف	صاف	کیفیت خطوط

دوره سوم
جدول ۴- ویژگی‌های نقوش ظروف دوره سوم حصار.

تصویر					
نقش یکتا یا تکراری	تکراری	تکراری	تکراری	تکراری	نقش یکتا یا تکراری
پیوستگی نقوش	منفصل	منفصل	منفصل	منفصل	پیوستگی نقوش
ریتم	ساده	ساده	ساده	ساده	ریتم
فضای پر و خالی	فضای پر در بالا و فضای خالی در پایین	فضای پر در بالا و فضای خالی در پایین	فضای پر در بالا و فضای خالی در پایین	فضای پر در بالا و فضای خالی در پایین	فضای پر و خالی
کادر	۱	۱	۱	۱	کادر
ترکیب‌بندی	عمودی	عمودی	عمودی	عمودی	ترکیب‌بندی
کیفیت خطوط	صاف	منحنی	صاف	صاف و منحنی	کیفیت خطوط

عصر مس سسنگی (با سنت سفال منقوش) و بخش دیگر آن در عصر مفرغ (با سفال ساده و خاکستری) قرار گرفته لذا از دوره دوم دو نوع سفال منقوش و خاکستری به دست آمده که البته تعداد سفال‌های منقوش بسیار کمتر از سفال‌های خاکستری است بدین ترتیب در لایه الف این دوره بیست و سه ظرف منقوش مورد بررسی قرار گرفت که عمدتاً به شکل کاسه و ساغر می‌باشند. این ظروف با نقوش منحنی و راست گوشه با تنوع یک یا دو نقش در میان یک کادر (هفده ظرف) یا دو کادر (چهار ظرف) تزیین شده‌اند. البته در دو ظرف، نقوش در میان کادر قرار ندارند و فضای پر، در بالای ظرف، به دو صورت افقی و عمودی سازماندهی شده و فضای خالی (به جز یک مورد) در انتهای بدنه قرار گرفته است. در لایه ب این دوره یازده ظرف منقوش مورد مطالعه قرار گرفت. این ظروف به شکل کاسه، ساغر و یک نوع ظرف لبه‌دار می‌باشند و با نقوش راست گوشه و منحنی با تنوع یک یا دو نقش که اکثراً در میان یک کادر قرار گرفته‌اند، تزیین شده‌اند. فضای منقوش در بالای ظروف و فضای خالی در پایین آنها در نظر گرفته شده است. نقوش بر روی ظروف به صورت عمودی، افقی، تلفیقی، مورب و متمرکز سازمان یافته‌اند.

سفال دوره سوم بیش از هر چیز با سفال خاکستری، شاخص حصار می‌شود و از آنجا که امکان تزیین سفال‌های خاکستری به وسیله نقاشی بسیار محدود است و این با سنت تزیین سفال در فلات ایران و تمدن حصار مغایرت داشته لذا سفالگران به دنبال راه چاره برآمدند و روش‌های دیگر تزیین از جمله نقش کنده، افزوده و نقش داغدار را که متناسب با سفال تیره و خاکستری بود دست مایه کار خود قرار دادند. از نظر شکل نوآوری‌هایی در سفال این دوره به چشم می‌خورد. بدین ترتیب که «ظروفی به شکل سبوه‌های دهانه تنگ شبیه قمقمه، کاسه‌هایی با ته مخروطی و ظروف لوله‌دار متداول شده‌اند» (روستایی، ۱۳۸۵، ۲۴). از لایه الف دوره سوم فقط چهار ظرف منقوش بدست آمده که با بررسی آنها مشخص شد شکل ظروف به همان روال دوره‌های قبل کاسه و ساغر می‌باشد که بیشتر با نقوش راست گوشه در میان یک کادر (به جز یک مورد) نقش شده‌اند. این نقوش به صورت عمودی (به

تحلیل بصری ظروف حصار

با بررسی هفتاد نمونه ظروف سفالین منقوش از دوره اول که چهارده تا از آنها مربوط به لایه الف می‌باشد مشخص شد سفالینه‌ها در سه شکل کاسه، ساغر و خمره ساخته شده‌اند. این ظروف با نقوش راست گوشه و منحنی؛ با تنوع یک، دو و یا سه نقش گاهی در میان کادر و گاهی بدون کادر طراحی شده‌اند. این کادرها در بعضی ظروف به دو یا سه کادر افزایش یافته است. همچنین سطح درونی ظروف اغلب با خطوط شعاعی، آراسته گردیده و تنها در یک کاسه، نقش در قسمتی از فضای درون ظرف کشیده شده و بقیه آن خالی از نقش است. فضای خالی (منفی) سطح بیرونی نیمی از ظروف، بسیار اندک و فضای خالی نیمی دیگر، تقریباً برابر با فضای منقوش (مثبت) است.

پس از بررسی سیزده نمونه از لایه ب دوره اول، این نتیجه حاصل شد که شکل ظروف مشابه لایه قبل بوده و فقط یک فرم تازه (فنجان) به شکل ظروف اضافه شده است. این ظروف با نقوش راست گوشه و منحنی و با تنوع یک، دو یا سه نقش، آراسته گردیده‌اند. نقوش به طور معمول در یک کادر، در بالای ظرف قرار گرفته و بقیه فضا، خالی از نقش است. اهمیت دادن به فضای خالی و همچنین توجه به کادر در ظروف این لایه بیشتر از لایه الف مدنظر طراحان بوده است. سطح درونی دو ظرف از این لایه با خطوط شعاعی بیشتری نسبت به لایه الف، تزیین شده است.

با بررسی چهل و سه نمونه سفالینه منقوش لایه ج معین شد همچنان سه شکل کاسه، ساغر (معمولی و پایه بلند) و خمره در ساخت ظروف به کار رفته و فضای منقوش ظروف با تنوع یک، دو، و سه نقش؛ با خطوط راست گوشه و منحنی آراسته شده است. این نقوش به جز سه ظرف همه در میان کادر قرار گرفته‌اند البته گاهی در بعضی ظروف، نقوش در دو یا سه کادر ارایه شده، و چینش آنها در این کادرها به سه صورت عمودی، افقی و تلفیقی آرایش یافته است.

همانطور که اشاره شد بخشی از دوره دوم تمدن حصار در

جدول ۵- روند تغییر ویژگی‌های نقوش ظروف سفالی تمدن حصار.

ویژگی‌های نقوش	دوره اول	دوره دوم	دوره سوم
نقش یکتا یا تکراری	یکتا	یکتا	تکراری
پیوستگی نقوش	منفصل	منفصل	منفصل
ریتم	دوگانه	ساده و دوگانه	ساده
فضای پر و خالی	فضای پر؛ بالای ظرف؛ فضای خالی؛ پایین آن	فضای پر؛ بالای ظرف؛ فضای خالی؛ پایین آن	فضای پر؛ بالای ظرف؛ فضای خالی؛ پایین آن
کادر	یک	یک	یک
ترکیب‌بندی	عمودی	عمودی	عمودی
کیفیت خطوط	صاف و منحنی	صاف و منحنی	صاف

دیگری به شکل کوزه لبه‌دار است، بررسی شد. این دو ظرف به یک شکل، یعنی با تکرار خطوط عمودی در یک کادر، در بالای ظرف، نقاشی شده‌اند. در مجموع به واسطه تحلیل بصری نقوش صد و چهارده ظرف سفالین، روند تغییر ویژگی‌های نقوش به لحاظ ترکیب‌بندی طبق جدول ۵، نمایان شد.

جز یک مورد) سامان یافته‌اند. چهار ظرف منقوش لایه ب به شکل کاسه می‌باشند و با نقوش راست‌گوشه و منحنی در میان یک کادر، در لبه ظرف، تزیین شده‌اند. خط زمینه که فضای منقش را از فضای خالی متمایز می‌کند، به صورت یک خط با ضخامت متفاوت کشیده شده است. در لایه ج نیز دو ظرف منقوش که یکی به شکل کاسه و

نتیجه

می‌توان انگاشت روند تغییر ویژگی‌های نقوش به لحاظ ترکیب‌بندی بر روی سفالینه‌های حصار، بسیار کند و آهسته است. بدین نحو که سه ویژگی به صورت متفاوت ارائه، و چهار ویژگی به صورت مشابه تداوم یافته است و مهم‌تر این که از میان این ویژگی‌ها، فقط ویژگی ریتم در هر دوره تغییر یافته و دو ویژگی کیفیت خطوط، و نقش یکتا یا تکراری، تنها در دوره سوم، نسبت به دوره‌های قبل تغییر کرده است. بنابراین ویژگی‌های تصویری نقوش سفالینه‌ها از نظر ترکیب‌بندی کمتر دچار تحول شده و بیشتر در یک چارچوب و شکل تعریف شده پایدار مانده است. این شکل یا الگو به صورت نقوش یکتا، منفصل، در یک کادر، در بالای بدنه ظرف، به صورت عمودی ارائه شده است. این الگوی ثابت در چگونگی نشان دادن نقوش روی سفالینه‌ها در طی سال‌های متوالی، بیانگر صفت پایداری در هنر نقاشی روی سفال حصار می‌باشد و روند کند دگرگونی ویژگی‌های نقوش هم اشاره به پیوستگی، تداوم و تکامل تدریجی نقوش در طی زمان، در این تمدن دارد.

در جمع بندی مطالب ذکر شده در مورد نحوه قرارگیری و چیدمان نقوش روی ظروف می‌توان گفت نقش‌ها در دوره اول و دوم بیشتر یکتا هستند و نقوش تکراری کمتر دیده می‌شود؛ ولی در دوره سوم ملاحظه گردید که نقوش، از تکرار بیشتری برخوردار می‌گردند. از نظر پیوستگی نقوش، در دوره زمانی یاد شده اغلب، نقوش منفصل استفاده شده است. اما در خصوص ویژگی ریتم به نظر می‌رسد تغییر و حرکت عناصر بصری بر روی ظروف متنوع است و در طی هر سه دوره یک نوع از ریتم غالب است. ویژگی فضای پر و خالی بدون تغییر در هر سه دوره به یک صورت ارائه شده؛ همچنین اکثر نقوش روی ظروف در میان یک چارچوب و کادر طراحی شده‌اند. حتی ساماندهی و قرار دادن نقوش بر روی ظروف هم، بیشتر به یک صورت عمودی به کار رفته است. ویژگی دیگر یعنی کیفیت خطوط در نقوش ارائه شده بر ظروف سفالین، در دو دوره اول و دوم اکثراً به صورت صاف و منحنی می‌باشد و بر خلاف این دو دوره، در دوره سوم کیفیت غالب، خطوط صاف است.

تشکر و قدردانی

از راهنمایی‌های ارزشمند استاد گراندقدر جناب آقای دکتر رضا افهمی که در نگارش این مقاله نگارندگان را یاری رساندند، سپاسگزاری می‌گردد.

فهرست منابع

پوپ، ارتور ایهام و اکرمین، فیلیس (۱۳۸۷)، سبیری در هنر ایران از دوران پیش از تاریخ تا امروز، ویرایش: سبیروس پرهام (ج ۱)، انتشارات علمی و فرهنگی، تهران.
روستایی، کوروش (۱۳۸۵)، ویژه‌نامه همایش فرهنگ هفت هزار ساله‌ی حصار، پژوهشکده باستان‌شناسی، تهران.
ملک‌شهمیرزادی، صادق و دیگران (۱۳۶۸)، بناها و شهر دامغان، نشر فضا، تهران.
واندنبرگ، لویی (۱۳۴۵)، باستان‌شناسی ایران باستان، ترجمه: عیسی بهنام، انتشارات دانشگاه تهران، تهران.

Roustaiei, kourosh(2004), *Tape Hesar: a major manufacturing center in the central plateau*, (bond1), katalog der ausstellung des deutscher Bergbau -museum bochum in verbinding mit der Iranischen kulturerbe organization.

Schmidt, Erich.f.(1937), *Excavations at Tappeh Hissar Damghan*, Philadelphia.

Serkina, Galina(1999), *Treeworship*, 11th Congress of Turkish Arts – Utrecht, the Netherlands, August 23-28.

پی‌نوشت‌ها

1 Chalcolithic age.

2 Bronze age.

۳ نقوش داغدار به عنوان روش تزیین سفال‌های خاکستری و سیاه در هزاره سوم پ.م در ایران رایج شده است. در این روش با استفاده از یک آلت سنگی یا استخوانی نوک تیز و ساییدن آن در قسمت‌هایی از سطوح خارجی ظروف نیمه خشک (قبل از پخت) آنها را با هدف ایجاد نقش داغدار می‌کردند که پس از پخته شدن ظروف، در محل‌هایی که عمل ساییدن انجام شده بود اثر داغی آن به صورت براق و صیقلی باقی می‌ماند. بدین ترتیب نقوش هندسی که متفاوت از زمینه سطوح ظروف بود ایجاد می‌شد.